نکات و ملاحظات: فلانی خیلی دیپلومات شده

روزنامهء کاوه که بنام کاوه آهنگر داستانی منصوب است و دورهء جدید آن از غرّهء جمادی الأولی سنهء 1338 در برلین پایخت مملکت‏ آلمان بزبان فارسی فصیح و ادبی چاپ میشود دارای مقالات علمی و ادبی عالمانه‏ایست که در نتیجهء تتبّعات و زحمات طولانی نوشته‏ میشود.این روزنامه نتیجهء سعی عدّه‏ای از اشخاص مشغول بعلم و ادب بوده و بکمک قلمی اساتید بزرگ از علمای معروف فرنگستان‏ مفتخر و مقالات فاضلانهء آنها زیب صفحات این روزنامه است.روزنامهء کاوه باکمال تفاست در کاغذ اعلا در مطبعهء خیلی قشنگ‏ «کاویانی»بطبع میرسد و خطّ روشن و قشنگی طبع و صحّت دقیق آن‏که مقدور بی‏غلط چاپ میشود انسان را بهوس خواندن‏ آن میآورد.در غرّهء هرماه یک شماره از آن دارای 16 صفحهء بزرگ و قریب 1200 بیت مطلب نشر میشود که مشتمل است‏ بر ابواب مختلفه از مطالب مهمّه و از آن جمله مخصوصا مقالات تاریخی راجع بایران قدیم و مشاهیر شعرای ایران و مشاهیر قرن‏ اخیر و تنقیدات ادبی و ملاحظات عمومی و اخبار ایران و غیره.با شمارهء 4 و 8 و 12 کاوه یک جزوهء بزرگ بقطع و حجم خود روزنامه مشتمل بر 16 صحیفه از اجزای کتابی موسوم به«تاریخ روابط روس و ایران»بطور ضمیمه و بلاعوض بمشترکین فرستاده‏ میشود که بعدها مجموع جزوه‏ها یک کتاب مستقّل مبسوط و مفیدی میشود.

برای ترتیبات اشتراک و اسامی وکلای روزنامه و ترتیب جدید امسال و غیره رجوع کنید بپشت صفحات جلد روزنامه

برای مکاتبه با ادارهء کاوه میتوانید خطّ فرنگی پائین این صفحه را بریده روی پاکت چسبانیده و بپست بدهید

Redaction du journal PersanẓKavehẒ (Allemagne)Berlin-Charlottenbourg Leibnizstr.64

اسامی وکلای کاوه

در ایران و سایر ممالک

هندوستان:جناب آقا محمّد تقی افشار مقیم بمبئی

مصر:تجارتخانهء حاج محمّد رفیع مشکی مقیم القاهره

طهران

جناب آقا سیّد عبد الرّحیم خلخالی-خیابان ناصری‏ جناب آقا سیّد عبد الرّحیم کاشانی-خیابان ناصری نمره 151 تبریز:جناب حاج اسمعیل آقا امیرخیزی

سیستان:جناب آقای میرزا عبّاسعلی خان قاجار معاون مالیّه و خالصجات سیستان

مشهد:کتابخانهء نصرت

اصفهان:دواخانهء آقا میرزا غلامرضا،درب باغ قلندر

شیراز جناب آقا میرزا احمد خان پژوه ناظم و محاسب پستخانهء ایالتی فارس

بندر بوشهر:جناب آقا میرزا احمد کازرونی عضو شرکت بهبهانی برازجانی کازرونی

کرمانشاه:تجارتخانهء جناب آقای میر صدر میر عبد الباقی

کرمان:تجارتخانهء شهریار خدابخش سروشیان و پسران.

یزد:جناب آقای ارباب مهربان جمشید جوانمرد خرّمشاهی پارسائی

کاشان:تجارتخانهء آقا سیّد محمّد لاجوردی کاشان و پسران.

ملایر:جناب آقای میر حسین خان حجازی.

طالبین اشتراک روزنامهء باید وجه اشتراک را قبلا بآقایان و تجارتخانهای مذکور پرداخته و قبض رسید گرفته آن قبض را با اسم و عنوان خود مستقیما بادارهء کاوه بفرستند تا روزنامه منظما و مستقیما بایشان ارسال شود.

اعلان در کاوه

روزنامّ کاوه اعلانات نیز درج میکند و چون در فرنگستان(اروپا و آمریکا) و مصر و عثمانی نیز منتشر است و خوانندگان دارد لهذا برای ایرانیان داخله‏ و خارجه خیلی مفید خواهد بود که در باب امور تجارتی و غیره در کاوه اعلان‏ بکنند چنانکه تجارتخانهای فرنگی محض ترویج متاع خود در ایران و مشرق‏زمین‏ در کاوه اعلان میکنند.

دورهء چهار سالهء کاوه

دورهء قدیم کاوه که مجموعهء چهار سالهء آن در 35 شماره بوده و پراز مقالات‏ علمی و ادبی و سیاسی است در ادارهء کاوه موجود است و بقیمت 5 تومان‏ مجلّد و 4 تومان بی‏چلد فروخته میشود.فقط برای مشترکین کاوه(چنانکه‏ در شمارهء 8 سال گذشته شرح داده شده)بعنوان هدیه و تنها در مقابل قیمت‏ بسته کردن و اجرت پست و سایر مخارج جزئی راجع بارسل بسته که روی‏هم‏ پانزده قران برای غیر مجلّد آن و دو تومان برای مجلّد آن در ایران و 15 شیلینگ‏ (سه ربع لیرهء انگلیسی)برای مجلّد آن و نیم لیرهء انگلیس برای غیر مجلّد آن در خارجه باشد داده میشود.هرکس طالب باشد میتواند این قیمت جزئی را بوکلای اداره پرداخته و قبض امضا شده را گرفته برای ما بفرستد که فورا ارسال میشود.از دورهء قدیم چنانکه گفتیم هنوز مقداری موجود است ولی‏ معلوم است که باوّلین تقاضاکنندگان ارسال میشود و اگر یکی از شماره‏ها تمام‏ شد دیگر بتقاضاکنندگان تازی نمیشود فرستاد.

تصحیحات

یکی از خوانندگان بما مینویسد که در اسم مجتهدی که در شمارهء 9 سال گذشته‏ (صفحه 3 ستون 1)بمناسبت قتل اسماعیلیان در شاهرود ذکر شده اشتباه شده و «غریب العلماء)که نوشته شده سهو است و صحیح«معین الغرباء»است.

ترتیبات اشتراک‏ بعموم مشترکین و بالخصوص وکلای محترم روزنامه

روزنامهء کاوه فقطوفقط باشخاصی فرستاده میشود که قبول اشتراک کرده‏ و قبلا وجه اشتراک سالیانه را که در ایران سه تومان و نیم است بیکی از وکلای کاوه که اسامی آنها در ستون مقابل درج است پرداخته و قبض(چه‏ قبض چاپی اداره و چه غیر آن)بامضای وکیل مزبور گرفته و آن قبض را بادارهء کاوه رسانیده باشد که در آن صورت مستقیما توسّط پست و مرتّبا روزنامه‏ باسم خود اشخاص مزبور ارسال میشود.ارسال وجه اشتراک و یا پول جزئی‏ که بتوسّط بانکها ممکن نمیشود بتوسّط حوالهء پستی به پاریس آسان است و میشود مستقیما فرستاد.علاوه‏براین باید هم مشترکین و هم وکلای محترم روزنامهء کاوه‏ شرایط ذیل را منظور بدارند:

1-اسم و عنوان محلّ اقامت مشترک باید در همان قبض با کمال صراحت‏ نوشته شود که خوانا باشد.

2-اشتراک سالیانه فقط از اوّل هرسال تا آخر آن(یعنی سال روزنامه) تواند شد نه از هر شمارهء روزنامه تا همان شماره از سال آینده.همچنین‏ اشتراک ششماهه فقط از شمارهء اوّل هرسال تا شمارهء 6 و یا از شمارهء 7 تا 12 تواند شد نه هر شش شماره لاعلی التّعیین.

3-در ولایاتی که ما وکیل نداریم مشترکین میتوانند وجوه اشتراک را یا بنزدیکترین نقطه‏ای که در آنجا وکیل کاوه است بفرستد و یا چند نفر باهم وجوه‏ اشتراک را رویهم گذاشته بتوسّط بانک یک برات گرفته و بفرستند و اصلا سهلتر آنست که از پستخانه حوالهء پستی برای پاریس گرفته و در لف پاکت سفارشی‏ برای ما بفرستند که وصول کنیم.

4-روزنامهء کاوه تک‏فروشی منظم ندارد و فقط بمشترکین منظّم فرستاده‏ میشود و از بعضی شماره‏ها هم اصلا برای تک‏فروشی فرستاده نمیشود و لهذا کسانی که تک‏خرید میکنند ممکن است بعضی شماره‏ها بایشان اغلب نرسد.

5-ما با غیر از وکلای روزنامه بااحدی نمیخواهیم حساب باز کنیم‏ و مطالبات و بدهی داشته باشیم باین معنی که هرکس از هرژجا مستقیما با واسطهء وکلا هرچه بخواهد از روزنامه و کتاب باید وجه آنرا پیشکی و نقد بفرستد تا هرچه خواسته فرستاده شود.وکلای روزنامه نیز دربارهء سفارشهای خود از فرستادن روزنامه و کتاب چه برای خود و چه برای دیگران‏ شخصا مسئول وجه آن سهارشها هستند و در حساب ایشان محسوب‏ میشود خواه اشخاصی که کتاب و روزنامه گرفته‏اند وجه را پرداخته باشند یا نه.

تأسّف

آقا میرزا فضلعلی تبریزی که از فضلا و ادبا بوده و در مجلس‏ ایران در دورهء اوّل از طرف آذربایجان سمت وکالت داشت‏ باینطرف جزو ایرانیان مقیمین برلین بود بواسطهء مرض سلها باینطرف مبتلای آن بود عاقبت در شب چهارشنبهء آخر جمادی الأولی سنهء 1339 در مریضخانه وفات یافت.علاوه‏براینکه یکی از هموطنان مقیم این دیار از هیئت اجتماعّیهء ما کم تأسّف ما مخصوصا از فقدان یک فاضل و ادیب ایرانی‏ است که دارای نظر روشن و معرفت کامل بوده و در ادبیّات عربی و فارسی‏ وسعت اطّلاع و تعمّق داشت و بدبختانه بواسطهء سرگرمی وی بامور دنیوی و سیاسی‏ این فضیلت علمی و ادبی که بیشتر اهمیّت داشت مجهول و بی‏نتیجه مانده بود(به صفحه تصویرمراجعه شود)

کاوه‏ 1324

این روزنامه هرماه یک بار در 16 صفحه در برلین‏ نشر میشود.

عنوان مراسلات:

ReūdactionẓKavehẒ

Berlin-Charlottenbourg

Leibnizstr.64

آدرس تلگرافی:

Rouznakaveh Berlin

کافی است

قیمت اشتراک

\سالیانه‏\ششماهه

در ایران‏\3 تومان و نیم‏\2 تومان

در آلمان‏\100 مارک‏\60 مارک

در سایر ممالک‏\یک لیرهء انگلیسی‏\12 شیلینگ

ممکن است معادل مبالغ فوق بمظنهء روز بپول هر مملکت دیگری فرستاده شود.

قیمت هر شماره برای تک‏فروشی‏ در ایران 3 قران است

4 ابان ماه قدیم‏ 1290 یزدگردی- غرّهء رجب‏ سنه 1339

11 مارس ماه فرنگی‏ 1921 میلادی‏ Nr.3 Jahrg.2

Neue Folge

نکات و ملاحظات

فلانی خیلی‏ دیپلومات شده

بنظر ما یکی از صفحات مذمومه که بدبختانه اخیرا در مملکت‏ ما رایج شده و باید طرفداران اصلاح اخلاق اجتماعی و ترقی ملّی برضدّ آن بجنگد آن چیزیست که پیش از مشروطیّت‏ ایران باسم«شیطان»،«ناقلا»،«حقّه»،«پشت هم انداز»و«بد ذات»بودن‏ نامیده میشد و مخصوص یک طبقه از درباریان و بعضی آخوندهای بسیار پرحیله‏ بود و بعد از تأسیس مشروطیّت و رواج بازار سیاسی آنرا«دیپلومات» بودن اسم دادند.بدبختانه در صورتیکه سابقا این صفت معمولا میان مردم‏ از لحاظ اخلاقی مذموم بود و کسیکه باو این نسبت را میدادند حاشا کرده و قسم میخورد که وی آنقدرها هم شیطان نیست حالا بالعکس عموما صفت دیپلومات بودن را موجب افتخار دانسته و بدون خجالت بسیار خوشحال میشوند که بآنها همچو نسبتی داده شود.علاوه‏براین فقره صفت‏ مزبور بسیار عمومی هم شده و حتّی کسبهء«سیاست‏چی»بازار هم شبها در منزل مشق روش بیسمارک وزیر معروف آلمان را میکنند.معنی لفظ«دیپلومات» در زبانهای فرنگی عبارت است از نمایندهء یک مملکتی در مملکت دیگر بعبارة اخری وزیر مختار ولی در ایران عبارت است از شخصی که دارای اطوار و حرکات مخصوصی باشد که گویا لازمهء سیاست مداری است مانند:کم‏حرف‏ زدن،عقیده اظار نکردن در هیچ چیز،فهمیدن عقیدهء طرف و مماشات با او، تقیّه،پیچیده حرف زدن،مجرّد شدن از حسّیات یا طبیعی،سعی در گول‏ زدن مردم،خندیدن بروی مردم دادن جوابهای مبهم و سئوالات‏ پی‏درپی از مخاطب و ندادن مجال سئوال باو و هکذا.

شکّی نیست که شیوع این خلق و عادت میان ملّتی یکی از اسباب انقراض‏ و انحطاط اخلاقی آنملّت بوده و اخلاق عمومی را بکلّی فاسد میکند و نیز شکّی نیست که در عهد اخیر این خلق عجیب در ایران رواج زیادی‏ پیدا کرده است.جهت این حالت عجیب و غیر طبیعی ظاهرا آنست که‏ بعد از مشروطیّت بازار سیاست در میان عامّه بالطّبیعه رایج شده و مردم از سیاست ملل خارجه بسیار گفتند و شنیدند و خواندند و چون اخلاق که از عوارض اجتماعی است بتحسین و تقبیح عمومی و مذاکرات دائر و رایج در مجالس پرورش مییاید لهذا وقتیکه یک صفتی مرغوب شد و همه‏جا مردم‏ از آن صحبت کردند همه‏کس حتّی اطفال هم بمشق تقلید صاحبان آن صفت‏ میپردازند و باصطلاح فرنگی مآبان آن صفت«مود»میشود.سابقا واعظی‏ و روضه‏خوانی و سردستگی دستهء محلّه و سرجنبانی در میان«بچّه»های محلّه‏ و داشتن سفرهء مفصّل و نوکر زیاد خیلی تعریف داشت.بعد از رواج سیاست‏ همه‏جا مردم صحبت از دسایس قونسول روس در اصفهان،«حقّه زدن» قونسول انگلیسی در شیراز،ناقلائی سیر(حالا لورد)ادوارد گری وزیر امور خارجهء سابق انگلیس و حرامزادگی سازانوف وزیر روس کرده و از اسباب چینیهای آنان گفتند و شنیدند ولی با تعریف زیاد و حیرت و تحسین، بالأخره این تصوّر عقیدهء رایجه شد که بزرگان دنیا همه«حقّه»بودند و بهمدیگر «نارو»میزدند،مترنیخ‏1دم‏بریدهء غربی بود،پالمرستون‏2کهنه‏کار و تالران‏3بسیار پشت هم‏انداز بود.وکلای مجالس ملّی ملل متمدّنه هم همه‏ رند و پرفنّ‏اند و همین است که کار آنممالک پیش میرود،همهء رجال دولت‏ آنها هم گرگ باران دیده‏اند و ذوبطون.

این عقیدهء غریب در حقّ مللی که همیشه تعریف آنها را شنیده و آثار ترقّی آنها را برأی العین دیده‏ایم لابّد موجب تقلید میشود و هرکسی سعی‏ میکند که از دیگری«دیپلومات»تر و«حقّه»تر باشد و عقیدهء خود را زودتر دست ندهد و کمتر حرف بزند و از مخاطب بیشتر مطلب در بیآورد. این تشویق و تمجید باعث تولید و پرورش و رواج صفت دروغگوئی و اسباب‏ چینی و دسیسه‏کاری گردیده و مردم را بمشق قابلیّت و از همدیگر جلو افتادن در کار کشیدن زیرپای مردم و آب‏زیرکاه شدن و بهمدیگر«حقّه زدن»و«دوز و کلک چیدن»و امیدارد و چون این خلق بتشویق مدح عمومی و تأثیر طعن بر اشخاص راستگو و صافی ضمیر بعبارات«مرد احمق صادق»و«آدم صاف‏ و ساده»در میان یک قومی رایج شد آنملّت رو بانقراض میرود و زندگی در میان‏ آن جمع اقامت در جهنمّ میشود بحدّی که تا یکی از افراد جوان و بی‏غلّ و غش‏ و پاکدل آن قوم قدم بخارج سرحدّ خود گذاشت و دید نقطه‏ای هم در دنیا هست که مردم آنجا رویهم رفته آنچه را میگویند مقصودشان نیز همان معنی‏ ظاهری آنست و منظور دیگری ندارند و آدم هم با آنها هرچه حرف بزند تأویل‏ و یا غور در آن نمیکنند و حرف زدن و معاشرت در بین آنها مثل شطرنج‏ بازی کار پرزحمت و محتاج بفکر زیاد و مطالعهء دو سه دورهء بعد نیست‏ خود را در بهشت حسّ کرده و دیگر میل ببرگشتن بزندگانی مخادعه نمیکند.

یکوقتی در علم مراودات بین الملل تعلیم میدادند که زبان‏ آلتی است که خدا بانسان عطا کرده برای آنکه آنچه در دل دارد بپوشاند و خلاف آنرا بمخاطب القا کند ولی حال مدّتی است که این دستور عوض‏ شده و تعلم جدید آنست که زبان آلتی است برای کشف ما فی الضّمیر و اگر کسی نخواهد آنچه در دل او است مکشوف شود راهش اینست‏ که آنرا نگوید.لکن همهء این تعلیمها هم باز برای وزرای مسئول دول‏ و نمایندگان رسمی آنها است که باید در حرف زدن اینهمه محتاط باشد نه برای‏ افراد و عامّهء ملّت و جوانان محصّل در مدارس،ولی بدبختانه دیده میشود که‏ تعلیم قدیم اروپا باهل سیاست بین الملل حالا تازه بما رسیده و انتشار میگیرد.

سیر موج‏ علم

در هر رشتهء علم و تمدّن که ملاحظه کنید(خصوصا علم) خواهید دید که سیر امواج آن اقیانوس معرفت اروپا مدّتی‏ در یک رشته از علوم عقاید علمی و معلومات امروزهء اروپا را با معلوماتیکه‏ در میان تربیت شدگان ایران باسم عقاید علمای اروپا رایج است مقایسه‏ کرده‏اند دیده‏اند که همیشه برحسب اختلاف فنون ایران از هشتاد تا سی سال‏ عقب‏تر است و آنچه در ایران بعنوان آخرین تحقیقات علمی در یک مسئله‏ منتشر است چیزی است که پنجاه سال قبل در اروپا گمان میکردند و اغلب‏ حالا تغییر و ترقّی فاحشی در آن روی داده.در علم طب اغلبّ بیست سی‏ سال،در علم شیمی پنجاه سال،در علم تاریخ هشتاد سال و در فلسفه صد سال معلومات اشخاص با اطّلاع ما عقب‏تر از علم امروزهء فرنگ است‏ و عمده جهت آن نبودن ترجمهء منظّم و مستمرّ از کتب جدیدهء فرنگ و دایر نبودن خطابه‏های علمی و اکتفای هرشخص تحصیل کرده بهمان سرمایهء علمی قدیمی خودش است در صورتیکه انهار جدیدی از علم و معرفت در اروپا دائما براقیانوس موجود میریزد و چشمه‏های تازه‏ای پیدا میشود.

علم و سیاست‏ ضدّ هم

در قدیم الأیام میان بعضی طبقات عالیه یک قاعده جاری‏ بوده که بموجب آن نجبا و اساوره‏1و خصوصا خداوندان‏ شمشیر را سواد و علم عیب شمرده میشد و قلم را نقیض شمشیر فرض میکردند.شبیه این فقره در این ایّام در ایران روش اهل سیاست است‏ که یکی از لوازم و شرایط سیاسیگری کتاب نخواندن و تز معده حرف زدن‏ شده.در میان«ساست‏چی»های ایران در صد دو نفر نیست که معتقد بکتاب خواندن باشد و گمان میکنند همهء کمال و علم در روزنامهای سیاسی‏ مندرج است و اگر هم بعضی گاهی محض تفنّن کتابی بخوانند در موقع استراحت بتدریج یکی دو صفحه از وسطهای یک کتاب علم حقوق‏ در زبان فرانسه یا عثمانی گرفته و در دو سه ماهی یک فصل ختم میکنند و یک حرف در خاطر نگاه نمیدارند مگر آنچه بشود فورا در اثنای صحبت‏ بعبارات مخلوط باصطلاحات فرانسوی بخرج داد و یا از یک کتاب‏ قصّهء فرنگی در زبان اصلی یا ترجمه از ترجمه ترکی آن دو سه ورقی محض‏ تفریح میخوانند و من در حیرتم که چرا همهء صنایع و حرف دنیا محتاج‏ بعلم مخصوصی میباشد و ادارهء امور عامّه که عبارت از سیاست باشد هیچ محتاج‏ بکتاب و علم نباشد و بعضی«سیاست‏چی»های ایران با آنکه نادان‏ترین‏ (1) Chevalieus

مردم باغلب علوم ابتدائی و عمومی هستند از دانشمندان بزرگ واقف‏ بمواقف عصر بشمار رفته و از هر معلّم و عالمی بیشتر قبول عامّه دارند.

از ظهور مشروطیّت باین طرف اگر احصائیّهء منظّمی از نشریهءات ایران‏ داشته باشیم خواهیم دید که از مقدار کتب کاسته و بر جراید افزوده و یا اقلاّ نسبة فرق فاحشی کرده.این فقره نیز یکی از آثار و اسباب انحطاط معرفت عمومی ملّی است.

انکار عیان‏ بزور دلیل و برهان

ما بسیار خوشوقتیم از اینکه گاهی می‏بینیم نشریّات ایران از جراید و مجلاّت مطالب کاوه را که در این گوشهء دنیا و دور از امکان عرضه‏ داشتن بعقاید عامّه در ایران از روی تصوّرات و تجارب چند نفر ایرانی‏ دورافتاده نوشته میشود تحت مطالعه و مداقّه آورده و در باب صواب‏ و خطای بعضی مطالب آن تحقیقات و مباحثات میکنند.مخصوصا بیشتر از همه از این فقره شاد و مفتخریم که مباحثات جراید ایران کم‏کم بجادّهء اعتدال و معقولیّت و متانت افتاده و نقّادیهای خود را موافق اصول ادب‏ و رعایت آداب مناظره و ثنا و ستایس را نیز معتدل و بدون مبالغه میکنند و باید بگوئیم که این فقره یک قدم مهمّی در ترقّی اجتماعی و آبرومندی ملّی است.

موضوع این سطور رفع بعضی اشتباهاتی است که برحسب آنچه در جراید ایران دیده شد دربارهء بعضی انتقادات بیغرضانه و مبنی‏بر دلسوزی‏ و خیرخواهی منتشره در کاوه بعمل آمده باشد.یکی از جراید ولایات ایران اخیرا بدست ما رسیده که در آن شرحی راجع به کاوه و مندرجات آن مرقوم بود و از سیاق کلام آن مقاله آثار دلتنگی و آزردگی‏ خاطر نویسنده نسبت ببعضی از مندرجات کاوه ظاهرا میشد و اگرچه چندان‏ ظاهرا نبود که ایراد آن روزنامه راجع بچه مطلب مخصوص و کدام شمارهء کاوه‏ است‏1ولی از اشارات و کنایات متعدّده آن تا اندازه‏ای چنان مستفاد میشد که از ملاحظه و انتقاد راجع بقتل اسمعیلیان در نیشابور و قصد بابی‏ کشی در شاهرود مندرج در شمارهء 9 سال گذشتهء کاوه سخن میرود.

نگارندهء شرح مزبور که آنرا بشکل مقالات متسلسله در شماره‏های‏ پی‏درپی روزنامهء خود درج میکند(و دو قسمت از آن بدست ما رسیده‏ و هنوز بقیّه داشته)پس از یک مقدّمهء مختصری مبنی‏بر نکته‏گیری از کاوه و بعضی کنایات تعرّض‏آمیز شرح مبسوطی از قتل عامّ پروتستان‏ها در فرانسه‏ و اوضاع تفتیش مذاهب(انکیزیسیون)در اسپانی و سایر ممالک اروپا درج کرده و از آنهمه تفصیل میخواهد نتیجه در بیاورد که تعصّب مذهبی‏ و تعرّض بر پیروان مذاعب دیگر در اروپای متمدّن نیز بوده است.

ابتدا باید بگوئیم که ما از ترتیب و سابق و سیاق معقولانهء نگارش آن جریده‏ مشعوف بوده و از اینکه خواسته با دلایل و براهین نه با حمله و زشت‏ گوئی تصوّرات ما را جرح نموده و ما را بسوی صواب راهنمائی کند متشّکریم‏ و توقع ما از سایر جراید داخله نیز آنست که در بحث و مداقّه در مطالب‏ (1)همیشه در ردّ مطالب یک روزنامه یا کتاب بهتر است ابتدا عین مطلب طرف را کما هو علیه با اشاره بصفحه و شماره ثبت کرده و بعد بجواب آن پرداخته شود.